

مجموعه مباحث اخلاقی

خواسته امام علیه السلام کرامت مدام

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

« أسألك بسبحات وجهك وبأنوار قدسك وابتهل إليك بعواطف
رحمتك ولطائف برك أن تحقق ظني بما أومله من جزيل إكرامك
وجميل إكرامك وجميل إنعامك في القربى منك والزلفى لديك والتمتع
بالنظر إليك وها أنا متعرض لنفحات روحك وعطفك ومنتجع غيث
جودك ولطفك فارّ من سخطك إلى رضاك هارب منك إليك راجٍ
أحسن ما لديك معول على مواهبك مفتقر إلى رعايتك »^(١) .

خداوندا! از تو به حق عظمت و جلالت و جهت و به حق نورانیت قدسیّت،
درخواست می‌کنم و نزد عواطف رحمانیت و لطائف احسانت، که پا بر جا
داری گمانم را به آنچه از تو آرزو دارم در اکرام و انعام فراوانت و در نزدیک
کردنم و نوازش نمودم از طرفت و بهره‌وری در نظر به آستانت، و هم اکنون
خود را در معرض نسیم عنایت و لطفت در آورده‌ام، و تقاضای باران جود و
رحمتت را می‌نمایم. از خشمتم به رضایت و به درگاهت گریزانم امیدوار

۱ - مناجات خمس عشر، مناجات الراغبين .

بهترین چیزی هستم که در نزد توست، اعتماد به بخششهایت دارم،
و نیازمند به سرپرستی تو هستم.

سوگندهای امام علیه السلام:

امام سجاد علیه السلام در این مناجات خداوند را به اموری سوگند می‌دهند،
در جلسه گذشته به دو مورد اشاره نمودیم. اما موارد دیگر،
«وابتهل إليك بعواطف رحمتك».

خداوندا! تو را به رحمت‌های بی در پی و مستمرت سوگند می‌دهم.
برای کلمه (عاطفة) در لغت دو معنا ذکر شده است: ۱ - وصل و
اتصال. ۲ - میل و تمایل.

بر اساسی معنای دوم، عبارت امام زین العابدین علیه السلام را می‌توان بدین
گونه تفسیر نمود: خداوندا! قسمت می‌دهم به آنچه که رحمتت به آن تمایل
دارد.

بر اساس روایات رحمت الهی بر سخط و عذاب مقدم است،
«یا من سبقت رحمته غضبه»^(۱).

ای کسی که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است.

(لطائف برك) خداوندا! قسم به نیکی‌هایی که از لطف بی پایانت
سرچشمه می‌گیرد.

(بر) به معنای اتساع و گشادگی در احسان و تفضل است.

۱ - مصباح المتعجد، صفحه ۴۴۲.

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾^(۱).

خداوند نسبت به بندگانش لطف دارد.

خداوند دارای نعمات بی شماری است که برخی از آنها برای ما غیر قابل ادراک و از دید و نظرمان پنهان می‌باشد.

در این فراز امام سجاد علیه السلام به نیکی‌ها و الطاف خاص الهیّه، خداوند را سوگند می‌دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

« من قبل الله منه حسنة واحدة لم يعذب به أبدا ودخل الجنة »^(۲).

اگر خداوند یک نیکی از کسی بپذیرد، او را هرگز عذاب نمی‌کند و وارد بهشت می‌شود.

این روایت نمونه بسیار روشن و زیبایی از لطف الهی می‌باشد.

از این فراز نیایش امام علیه السلام می‌توان، درس خدانشناسی آموخت. به عبارت دیگر این فراز به ما می‌آموزد که، آن قادر متعال چه صفات و ویژگیهایی دارد. ما به عنوان یک بنده که در مسیر معرفت و کمال هستیم برای طیّ طریق چگونه باید با او سخن بگوییم و چه انتظاری از او داشته باشیم؟

خواسته‌های امام علیه السلام:

امام سجاد علیه السلام در این قسمت از نیایش خواسته‌ها و حوائج خود را در

۱ - سورة شورا، آیه ۱۹.

۲ - مجموعه ورام، جلد ۲ صفحه ۸۶.

قالب دعا و نیایش بیان می‌فرمایند. این طلب و تقاضا دارای جنبه‌های متفاوت انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و کمال‌جویی می‌باشد. همانطور که قبلاً نیز گفته شد امام علیه السلام در قالب دعا یک دوره خداشناسی کامل را نیز آموزش می‌دهند. اگر بطور دقیق و علمی و با نگاه کارشناسانه به این دعاها توجه شود دریایی از معارف الهی به روی طالبان آن گشوده می‌شود. این مسیر انسان را از بی‌راهه رفتن و مطالبه معرفت از فاقد آن مصون می‌سازد.

«جزیل اكرامك و جمیل انعامك».

خداوندا! اكرامت مداوم و زیبا است.

خداوند متعال نعمتهای فراوانی دارد و همه آنها زیبا هستند. اما در این نیایش امام علیه السلام نعمتی خاص و زیبا از خداوند طلب می‌نمایند و آن عبارت است از:

«فی القربى منك والزلفى لديك».

خدایا! دوست دارم همیشه در نزد تو باشم.

اگر انسان این دریافت و وجدان را داشته باشد که همیشه خداوند با اوست و او نیز با خدا است، زندگی او سرشار از آرامش و امید خواهد شد در واقع امام علیه السلام حضور نزد خداوند را نعمت می‌داند. نعمتی که اغلب انسانها از آن غافل هستند.

«والتمتع بالنظر إليك».

بارالها! از اینکه با تو هستم و تو را می‌بینم لذت می‌برم.

هنگامی که انسان بداند همیشه در محضر خداوند است، تمام سختی‌ها و تلخی‌های زندگی در نزد او رنگ می‌بازد. انسانی که از دیدار حق لذت

می‌برد، اگر روزی گرفتار ستمگرانی شود که بخواهند جان او را بستانند، به هیچ وجه احساس تلخی و سختی به او دست نخواهد داد و آن لحظه خطرناک نیز برای او شیرین و زیبا خواهد بود. سید الشهدا علیه السلام در کربلا دارای چنین احساس زیبایی بودند. هنگامی که فرزندش علی اصغر علیه السلام بر روی دستان مبارکشان به شهادت رسید، خون او را به آسمان پرتاب نمودند و فرمودند:

«هون علی ما نزل بی‌ایته بعین الله»^(۱).

هر چه از مصیبات بر من نازل شود آسان است، زیرا من در پناه و نگاه خداوند هستم.

اگر آدمیان همیشه خداوند را ببینند و لذت ببرند، زندگی زیبا و آرامی خواهند داشت.

«وها أنا متعرض لنفحات روحك وعطفك».

پروردگارا! بنده تو خود را در معرض الطاف و عنایات تو قرار داده است.

«ومنتجع غیث جودك ولطفك».

خداوندا! می‌خواهم از باران کرم، بخشش و لطف تو منتفع و بهرمنند گردم.

«فارّ من سخطك إلی رضاك».

بارالها! از خشم و غضب تو به رضا و خشنودیت پناه می‌برم.

اگر با تمام وجود پی ببریم که رحمت و لطف اقتضاء ذات خداوند است و خشم و غضب الهی ریشه در اعمال و کردارمان دارد، به گونه‌ای دیگر رفتار خواهیم کرد. به عبارت دیگر باور کردن و ایمان به این مطلب بظاهر ساده

۱- لهوف، صفحه ۶۹.

جهان بینی ما را متحوّل می‌سازد و در پی این تحوّل در نگرش، اعمال و رفتار بیرونی ما نیز تغییر خواهد کرد.

مستحب است که برای خواندن نماز هفت بار تکبیر بگوییم، و پس از هر تکبیر دعایی بخوانیم. در تکبیر پنجم این دعا مستحب است:

« منک وبک ولك وإلیک، لا ملجأ ولا منجا ولا مغرّ منک إلاّ إلیک »^(۱).

از تو و به وسیله تو و برای تو و به سوی تو، جز تو هیچ پناه و نجات و راه فراری نیست.

« هارب منک إلیک » بارالها! از تو به تو پناه می‌بریم. یعنی از خشم تو که حاصل اعمال و رفتار ما می‌باشد به احسان و کرم تو پناه می‌بریم.

به عنوان تشبیهی هر چند ناقص، پدری خشمگین را در نظر آورید که می‌خواهد فرزندش را تنبیه نماید، و فرزند برای آنکه عوطف پدرش را تحریک کند، گریه می‌کند. خشم پدر ریشه در اعمال زشت فرزند دارد، اما لطف و مهربانی پدر ریشه در فطرت و احساس پدرانۀ او دارد.

خداوند می‌فرماید:

﴿ فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ ﴾^(۲).

پس به سوی خدا بگریزید.

« راج أحسن ما لَدِیک ».

خدایا! هر چه که داری خوب و زیبا است اما آرزو و امید من به بهترین چیزی [رحمت] است که نزد توست.

۱- فقه الرضا، صفحه ۱۰۴.

۲- سورة ذاریات، آیه ۵۰.

« معوّل علی مواهبك » .

بارالها! اعتماد و تکیه گاه من ، مواهب و عطایای بی کران توست .

« مفتقر إلی رعایتك » .

خداوندا! من نیازمند به مراعات و مواظبت تو هستم . [خداوندا! مراقب ما

باش تا در دامهای شیاطین گرفتار نگردیم].

نیاز انسان به مبدأ وجود نیازی مقطعی و بخشی نمی باشد . به عبارت

دیگر نیاز موجودات به مبدأ در بقا و استمرار همانند جریان آب می باشد . در

لحظه‌ای که مانعی در میان باشد این جریان متوقف می گردد .

این عبارت روشن کننده و تمییز دهنده خداشناسی و معرفت شناسی مذهب

حقّه اهل بیت علیهم السلام با دیگر مکاتب است . بعضی از ادیان تحریف شده معتقد

هستند خداوند بعد از آنکه جهان را خلق کرد ، مانند ساعتی که آنرا کوک

می نمایند آنرا به حال خود رها کرده دیگر تصرّفی در آن ندارد . این عبارت

نیاز مداوم و همیشگی انسان را به مبدأ در حدوث و وجود و همچنین در ادامه

راه کمال بیان می نماید .

ملمات شبیه به میات:

اگر مراعات و مراقبت خداوند نباشد ، همه ما در دنیا گمراه می شویم و

شکست می خوریم ، شکست و گمراهی در دنیا نتیجه‌ای جز خسران آخرت

ندارد .

مرگ انسانها و رستاخیز آنان در روز قیامت ، بازتاب زندگی دنیوی

آنان می‌باشد^(۱)، در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

« یموت الرجل علی ما عاش علیه و یحشر علی ما مات علیه »^(۲).

هر کس آن گونه می‌میرد که زندگی کرده است و آن گونه محشور می‌شود که مرده است.

می‌گویند شخصی در حال احتضار بود، اطرافیانش هر چه سعی کردند که او را تلقین نمایند، تا شهادتین را قبل از مرگ بر زبان جاری سازد، موفق نشدند، و بعد از آن محتضر گفت:

یا ربّ قاتلة یوماً وقد تعبت این الطریق إلی حمام منجاب^(۳)

چه بسا خانم جوینده‌ای در روز از من نشانی حمام منجاب را بپرسد او در تمام حیات خود در حسرت آن لحظه‌ای بود که نتوانست از زن زیبا رویی کام بگیرد. روزی زنی از او نشانی حمام منجاب را می‌پرسد. اما وی او را به خانه‌اش راهنمایی می‌کند. هنگامی که زن به قصد سوء او پی می‌برد، از وی می‌خواهد که به بازار برود و غذا و دیگر ما یحتاج را تهیه نماید. زن از این فرصت بهره می‌برد و می‌گریزد.

این آرزوی شیطانی در تمام سالهای زندگی با او همراه بوده است. در

۱ - مثنوی معنوی دفتر سوم ابیات ۳۴۳۹ به بعد،

مرگ هر یک ای پسر هم‌رنگِ اوست
پیش دشمن، دشمن و، بر دوست، دوست
آنکه می‌ترسی زمرگ اندر فرار
آن زخود ترسانی ای جان، هوش‌دار
روی زشت توست نه رخسارِ مرگ
جانِ تو همچون درخت و، مرگ، برگ

۲ - مجموعه وزام، جلد ۲ صفحه ۱۳۳.

۳ - کشکول شیخ بهایی، جلد ۱ صفحه ۲۴۸.

واقع این میل به نافرمانی و گناه جزیبی از وجود او گشته است. آیا ممکن است این همراه نامبارک در لحظه مرگ انسان را رها کند؟

افرادی را دیده‌ایم، که در حال احتضار نمی‌توانند، شهادتین را به زبان جاری نمایند، و فکر آنان مشغول محاسبه و رسیدگی به امور دنیوی و مادی می‌باشد. لذا در بسیاری از روایات، اهل بیت علیهم‌السلام ما را از فکر گناه و تفکر در اموری که مورد رضایت خداوند نیست، نهی فرموده‌اند.

اصل برابری شیوه مرگ و روش زندگی اصلی فراگیر است. این اصل حتی اهل علم و روحانیون را نیز در بر می‌گیرد. اگر طلبه‌ای در تمام زندگی در فکر قواعد فقهی و اصولی باشد و خداوند را در تحصیل و زندگی مدّ نظر نداشته باشد، هنگام مرگ به جای اداء شهادتین، از استصحاب و اصالت البرائة سخن خواهد گفت.

در روایات تأکید فراوانی شده است که اگر کسی در طول حیات خود به حج مشرف نشود یا مرتکب بعضی محرمات شود، کور^(۱) یا کافر^(۲) از دنیا می‌رود. بنابر باید همیشه از خداوند بخواهیم که با ایمان از دنیا رفته و مؤمن محشور شویم.

﴿تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾^(۳).

پروردگارا! ما را مسلمان بمیران.

۱- بحار الانوار، جلد ۹۶ صفحه ۶.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۴ صفحه ۴۸.

۳- سورة اعراف، آیه ۱۲۶.

سزای بدعت در دین:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: در گذشته، فردی دنیا دوست زندگی می‌کرد که در ذهن خود، دنیایی پر از ناز و نعمت ساخته بود و برای رسیدن به آن بسیار سعی و تلاش می‌کرد. شب و روز در فعالیت و تکاپو بود. اما هر چه بیشتر تلاش می‌کرد، کمتر بدست می‌آورد. وی تصمیم گرفت ادعای نبوت نماید. سرانجام با نیرنگ و فریب ادعای پیغمبری کرد و عده‌ای دور او گرد آمدند. پیامبر دروغین به خواسته خود که ثروت، قدرت و مکننت بود، دست یافت. اما پس از چندی از کرده خود پشیمان گشت و گفت:

«بئس ما صنعت ابتدعت ديناً و دعوت الناس إليه و ما أرى لي توبة إلا أتى من دعوته إليه فأردّه عنه . فجعل يأتي أصحابه الذين أجابوه فيقول إنّ الذي دعوتكم إليه باطل وإنما ابتدعته . فجعلوا يقولون كذبت هذا هو الحق ولكنك شككت في دينك فرجعت عنه . فلما رأى ذلك عمد إلى سلسلة فوثد لها وتدا ثم جعلها في عنقه وقال لا أحلها حتى يتوب الله عز وجلّ عليّ فأوحى الله إلى نبيّ من الأنبياء قل لفلان : وعزّتي لو دعوتني حتى ينقطع أوصالك ما استجبت لك حتى تردّ من مات ممّا دعوته إليه فرجع عنه»^(۱).

چه کار بدی انجام دادم! دینی دروغین ساختم و مردم را به آن دعوت نمودم. توبه من این است که مردم را از آن دین بازگردانم پس به نزد

۱- توابع الاعمال، صفحه ۲۵۷.

پیروانش رفت و به آنان گفت: آن چه به شما گفتم، نادرست بود و آن دین، جعلی و ساختگی است. اما پیروانش به او گفتند: دروغ می‌گویی، آنچه نخست گفتمی درست بود و اکنون در دین خود شک و تردید نموده‌ای، آن شخص زنجیری را با میخ به گردن خود آویخت، و گفت: هنگامی زنجیر را از گردن خود باز می‌کنم، که خداوند از گناهانم بگذرد. اما خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: به فلانی بگو: اگر تار و پود بدنت از هم جدا گردد توبه تو را نمی‌پذیرم، مگر اینکه همه کسانی که دین تو را پذیرفته‌اند، حتی مردگان را از آن دین خود ساخته، بازگردانی.

بعضی از انسانها اگر بدعتی ایجاد نمایند یا سخن باطلی را به زبان آورند شهامت و شجاعت آن را دارند که توبه نمایند و از عقائد باطل خود دست بردارند، اما خبیث دومی چنین شهامتی نداشت و مرگ و آتش آخرت را بر ننگ و عار دنیا ترجیح داد و گفت: « النار ولا العار »^(۱).

برخی از مردم برای رسیدن به مقاصدشان از راه بدعت‌گزاری وارد می‌شوند. چندی پیش شخصی ادعای قطبیت کرده بود. هنگامی که او را بازداشت کردند، اعتراف نمود که من کارگر هستم و زندگی سختی داشتم، برای اینکه زندگی‌ام مرقه بشود از این راه وارد شدم و مردم زیادی را فریب دادم.

مراقبت فداوند در گرو یاد فدا:

ما نیازمند حفاظت و مراقبت پروردگاریم. اما این مهم هنگامی به وقوع

۱ - مدینة المعاجز، جلد ۲ صفحه ۹۶.

می‌پیوندند که نخست حریم و حرمت الهی را پاس داریم، و هیچ‌گاه از خداوند غافل نگردیم و همیشه در حال (ذکر) یعنی به یاد خدا باشیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

« من عمّر قلبه بدوام الذکر حسنت أفعاله في السرّ والجهر »^(۱).

هر کس با مداومت ذکر و یاد خداوند، قلبش را آباد کند، اعمال آشکار و پنهان وی نیک خواهد شد.

کسی که همیشه به یاد خداوند است ظاهر و باطن او یکی می‌باشد، و اعمال و افعال او در خلوت و جلوت حسن و نیک خواهد بود.

اگر حریم الهی را مراعات نکنیم، خداوند نیز ما را محافظت نمی‌کند، زیرا مراقبت امری دو طرفه می‌باشد.

عدم مراقبت خداوند، پیامدی جز فراموشی و نسیان نخواهد داشت. خداوند می‌فرماید:

﴿ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴾^(۲).

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به (خود فراموشی) گرفتار کرد آنها فاسقانند.

(فاسق) در این آیه به معنای مؤمن گناه کار نمی‌باشد، بلکه منظور، انسان منحرفی است که راه صحیح را نمی‌یابد و هرگز در مسیر صواب قدم نخواهد گذاشت.

طلّاب و روحانیون باید بسیار مواظب باشند، انحرافات و گمراهیهای

۱ - عیون الحکم والمواعظ، صفحه ۴۵۸.

۲ - سوره حشر، آیه ۱۹.

بزرگ، ریشه در اشتباهات بسیار کوچک دارد. اگر خدای ناکرده روزی دچار اشتباه شدیم و مسأله‌ای فقهی را نادرست بیان کردیم، همین که به اشتباه خودمان پی بردیم، باید سریع جبران نماییم، تا مردم در گمراهی باقی نمانند. اصرار بر اشتباه، یعنی فراموشی خداوند و خریداری جهنم. اصرار بر اشتباه از مسأله‌ای کوچک آغاز می‌شود و به مسائل مهم‌تر اعتقادی چون توحید، نبوت و امامت ختم می‌شود.

خدای ناکرده همانند عابدی نباشیم که پس از سالها عبادت، بخاطر گناهی که مرتکب شد، هنگامی که می‌خواستند او را بدار بیاوریند، مشرک شد. و کافر از دنیا رفت.

امام سجاد علیه السلام از محضر اقدس الهی مسألت می‌نماید، پروردگارا! ما نیازمند به محافظت و مراعات تو هستیم، تا دچار گمراهی نگردیم. این تعبیرات برای همه ما تنبیه است و انشاء الله همه ما به این تنبیهات، متنبه شویم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

... آن شخص زنجیری را با میخ به گردن
خود آویخت، و گفت: هنگامی زنجیر را از
گردن خود باز می‌کنم، که خداوند از گناهانم
بگذرد. اما خداوند به یکی از پیامبران وحی
فرمود: به فلانی بگو: اگر تار و پود بدنت از هم
جدا گردد توبه‌تو را نمی‌پذیرم، مگر اینکه
همه کسانی که دین تو را پذیرفته‌اند، حتی
مردگان را از آن دین خود ساخته، بازگردانی.
(صفحه ۱۳ از همین جزوه)

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹

